



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2102

Lesson No: 2102 **Tags:** American Language Course, UNIT 2102, Glossary

Custom	رسم، عرف، سنت	The more English you learn, the more successful you'll be in your career.	هر چه بیشتر انگلیسی یاد بگیرید، در شغلت موفق تر می شوی.
Daily (adj.)	روزانه	Career	شغل، حرفه
Procedure	رویه، آیین نامه، روال	Judge (v.)	قضاوت کردن
Perhaps	شاید	Impression	ذهنیت
Adjust	تطبیق دادن، تنظیم کردن، وفق دادن	Notice	مورد توجه قرار دادن، مشاهده کردن
Adjustable wrench	آچار فرانسه	Strange	عجیب و غریب
Situation	موقعیت، وضعیت	Find out	سر در آوردن، فهمیدن، درک کردن
Meet	مواجه شدن	Form (v.)	شکل دادن، فرم دادن
Bargain (v.)	چانه زدن، درخواست تخفیف کردن	Opinion	ایده، عقیده، نظر
Article	قلم (جمع: اقلام)، فقره، تکه، جنس	Form an opinion	نظر دادن، اظهار نظر کردن
For sale	فروشی	Wind	باد
Bargain (n.)	کالای تخفیف دار، معامله خوب	Fail	شکست خوردن، قبول نشدن
Of	دارای	The student failed the examination.	دانشجو / دانش آموز امتحان رو افتاد.
Shirt of better quality	پیراهن دارای کیفیت بهتر	Kind	مهربان، باحال
As good as	به خوبی	Get married	ازدواج کردن
Argue	بحث و جدل کردن	Sgt = Sergeant	مخفف Sergeant به معنی استوار (درجه نظامی)
Ticket	قبض جریمه	Lift	بلند کردن
Duty	وظیفه	At the moment	هم اکنون
Court	دادگاه	At this time	در این لحظه
Opportunity	فرصت، شانس	Phrase	فراز، عبارت، بخشی از یک جمله
Defend	دفاع کردن	Phrasing practice	تمرین عبارتها
Judge (n.)	قاضی	Design	طراحی کردن
Whether	آیا	Aid	کمک
Guilty	مقصر	To provide aid	کمک کردن
Side of the story	ماجرا	Rhythm	وزن شعر، ضرب جمله، ریتم
Make a decision	تصمیم گرفتن	Ceiling	سقف
Make friends	دوست شدن، رفیق شدن	This room has a low ceiling.	این اتاق سقف کوتاهی دارد.
Publication	نشریه	Eternity	ابدیت، جاودانگی، تمام نشدنی
School publication	نشریه دانشجویی یا دانش آموزی	Trainee	کارآموز، کارورز
Club	باشگاه، کلوب شبانه یا night club نیز می گویند.	Even	زوج (عدد)
Advantage	فایده	Two is an even number.	دو یک عدد زوج است.
Take advantage of	بهره بردن از، فایده بردن از		
The more ... the more	هر چه بیشتر بیشتر		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2102

Lesson No: 2102

Tags: American Language Course, UNIT 2102, Glossary

A bit of	یه ذره، یک کم	harvest	درو کردن، درویدن، محصول کشاورزی را برداشت کردن
Lid	درب قوطی، درب شیشه	Rip	پاره کردن، جر دادن، شکاف دادن
First-aid kit	جعبه کمکهای اولیه	Parachute	چتر نجات
Cylinder	سیلندر (در موتور خودرو)، استوانه (در هندسه)	Did he rip his parachute?	آیا او چتر نجاتش را پاره کرد؟
Master	استاد شدن، ماهر شدن، خوب یاد گرفتن	Needle	سوزن، عقربه گیج (gauge) نشان دهنده سرعت یا دما ...
Quite	خیلی، واقعاً	The needle moves to the right.	عقربه به سمت راست حرکت می کند.
Feat	شاهکار، کار بزرگ و ارزشمند	Permit	اجازه دادن
Mastering a language is quite a feat.	خوب یاد گرفتن یک زبان واقعاً یک شاهکار است.	Opposite	مخالف
Tailor	خیاط	Direction	جهت، سمت
Fit (v.)	اندازه بودن، مناسب بودن، فیت بودن	Turn	پیچیدن
Good fit	اندازه درست و دقیق (در مورد لباس)	The cars turn in opposite directions.	خودروها به سمت مخالف می پیچند.
The tailor will give you a good fit.	خیاط به شما لباس اندازه و دقیق [خودتان را] خواهد داد.	Airman	سرباز وظیفه نیروی هوایی (آمریکا)
Lead (v.)	رهبری کردن، پیشگام بودن	Enemy	دشمن
Lead (n.)	پیشگامی، جلو، مقدم، پیشتاز	Surrender	تسلیم شدن
Take the lead	جلو افتادن، جلو زدن، مقدم شدن	Spoil	فاسد شدن، خراب شدن (غذا)
Take the lose	عقب افتادن	Reword	[عبارتی را] به صورت دیگری بیان کردن، مجدداً بیان کردن
Please take the lead.	لطفاً بیافت جلو. لطفاً جلو بزن.	Fire drill	تمرین آتش نشانی، مانور آتش نشانی (که در مدارس، پادگانها و... برگزار می شود).
Can (n.)	قوطی	At 1300 hours (thirteen hours)	سر ساعت ۱ بعد از ظهر (ساعت نظامی)
The lid doesn't fit the can.	درب قوطی اندازه اش نیست.	The fire drill will be at 1300 hours.	مانور آتش نشانی رأس ساعت ۱۳ خواهد بود.
Beat	زدن، کتک زدن، ضربه زدن	Missile	موشک
Drum	طبل	Supervisor	سرپرست
Can you beat the drum?	می تونی طبل بزنی؟	Saw	اره
A little bit	یه کم، به اندازه خیلی کم و ناچیز	Handsaw	اره دستی
Feel weak	احساس ضعف کردن	Coat	کت تک، پالتو
He said he felt weak.	او گفت که احساس ضعف می کند.	Against	مخالف، ضد
Wick	فتیله، افروزه (در چراغهای فتیله ای)	That is against the law.	آن مخالف قانون است.
The lamp needs a new wick.	لامپ یک فتیله جدید نیاز دارد.	Lad	پسر بچه
Seat	محل نشستن، جا	The lad is going to school.	پسر بچه به مدرسه می رود.
That is a very good seat.	اون جای [نشستن] خیلی خوبیه.		
She will tell you where to sit.	او به شما خواهد گفت کجا بنشینید.		
Reap	درو کردن، درویدن، محصول کشاورزی را برداشت کردن		